

نگاهی به زندگی و شیوه نوازندگی استاد داریوش برهانی

سیاوش برهانی

داریوش برهانی در ۲۴ شهریورماه سال ۱۳۱۷ در یک خانواده فرهنگی و آشنا با هنر موسیقی در شهر کرمان به دنیا آمد. پدرش محمدعلی برهانی از عارفان و شاعران و فرهنگیان زمان خود بود که در آن دوران مدیریت مدرسه «عصمتیه» کرمان را به عهده داشت و مادرش فخرالسادات آدم حسینی دبیر ادبیات فارسی و ادبیات فرانسه بود و که بعدها به سمت بازرس مدارس دخترانه کرمان گمارده شد. از آنجائی که مادر با ساز تار آشنا بود و گاهی می‌نواخت، فرزندان نیز به موسیقی علاقمند شدند و از همان کودکی استعداد خود را نشان دادند و سه تا از پسران بنام‌های هوشنگ و داریوش و خلیل نواختن ساز را آغاز کردند. داریوش سه برادر و پنج خواهر داشت که خودش فرزند سوم خانواده بود. اولین معلم داریوش کوچک برادر بزرگترش هوشنگ بود که از شاگردان علی اکبر خانه نوائی و در آن زمان از نوازندگان بسیار خوب و متبحر و توانا بود که گاهی برنامه‌هایی را با خوانندگان آن زمان از جمله داریوش رفیعی اجرا می‌کرد و همه را مسحور پنجه و مضراب خود می‌نمود. داریوش تحت تاثیر نوازندگی هوشنگ نواختن را آغاز کرد و بعدها

نیز در مدرسه از تجربیات جناب صدیق بهره برد. در آن دوران در مدارس ساعت‌هایی در هفته را برای یادگیری موسیقی و آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با هنر موسیقی قرار داده بودند که معروف بود به زنگ موسیقی هر چند ممکن بود از طرف همه دانش‌آموزان جدی تلقی نشود ولی برای داریوش که عاشق موسیقی بود به‌ترین کلاس، زنگ موسیقی بود. آموزش موسیقی در مدارس، سیاستی بود که از طرف آموزش و پرورش در آن زمان بدرستی بکار گرفته شده بود با تشکیل کلاس‌های موسیقی، شور و نشاط بیشتری برای آموختن ایجاد می‌شد.

مسلماً شناخت هنر جدی و معرفی آن به بچه‌ها از سنین پایین و در دوران تحصیل کمک به بالا بردن سطح فرهنگی در جامعه می‌کند و حداقل اینکه حتی اگر موسیقی را جدی دنبال نکنند می‌توانند شنونده‌های آگاهی باشند به قول استاد فرامرز پایور ما بیشتر از اینکه بخواهیم نوازنده و یا خواننده خوب داشته باشیم نیازمند شنونده‌های آگاه هستیم.

داریوش نوجوان که به علاقه و استعداد خود پی برده بود از هر فرصت برای یادگیری و بالا بردن سطح آگاهی خود استفاده می‌نمود یکی از افرادی که بسیار تأثیرگذار بود درویشی بود بنام «قربون شاه» نوازنده بی بدیل نی که ساز نی را با لب می‌نواخت و از اولین استادان این شیوه از نی نوازی در ایران بود. قربون شاه که از او بسیار گفته و نوشته‌اند با بعضی از خانواده‌های کرمانی معاشرت و هم نشینی داشت و در این بین گاهی به منزل پدری داریوش می‌رفت از داریوش برهانی نقل قول است که قربون شاه نوازنده شوریده‌ای بود که بسیار به ردیف موسیقی آشنا بود و گاهی نغمه‌ها و گوشه‌های مهجور را چنان با سوز می‌نواخت که همه را تحت تأثیر خود قرار می‌داد از او بیاد می‌آورد که بعضی مواقع با صدای قربون شاه از خواب بیدار می‌شدند و بیشتر مواقع در دم سحر آواز بیات ترک می‌نواخت هم نشینی و معاشرت با این بزرگان باعث شده بود که داریوش نوجوان بتواند بیشتر بیاموزد و با نغمه‌های اصیل و گوشه‌های ردیف موسیقی آشنا شود و با عشق و علاقه روی ساز تار پیاده کند و بنوازد. مسلماً قرار گرفتن در چنین موقعیتی برای هر هنرجو و طلب‌های که عاشق موسیقی است موهبتی به حساب می‌آید. پسر کوچک خانواده خلیل خلیل اله برهانی نیز این شانس را داشت که بتواند از شرایط بوجود آمده استفاده کند. خلیل هم از کودکی موسیقی را با نواختن سنتور آغاز می‌کند و بعدها به تار علاقمند

می‌شود و او هم تار را نزد برادر بزرگتر هوشنگ مشق می‌کند هر چند سال‌های بعد به تهران می‌آید و نزد بزرگان موسیقی حبیب اله صالحی و استاد برجسته و صاحب مکتب علی اکبر خان شهنازی ادامه می‌دهد در اوایل دهه چهل داریوش جوان که چند سالی به استخدام وزارت بهداری درآمده و مشغول به کار گشته به شهر قزوین مهاجرت می‌کند و در آنجا نیز به کار تدریس و همکاری با گروه‌های وزارت فرهنگ می‌پردازد حاصل این همکاری کنسرت‌ها و برنامه‌های متعددی است که از آنها دو صفحه به آهنگسازی وی بجا می‌ماند و تعدادی از اجراهای گروهی و تکنوازی نیز در آرشیو رادیو و تلویزیون ضبط و ثبت می‌گردد حتی قبل از مهاجرت به قزوین و سکونتش در کرمان هم با رادیو کرمان همکاری داشته و قطعات زیادی در قالب تکنوازی و گروهی اجرا می‌نماید بخصوص در دوره ریاست جناب یاسائی در رادیو کرمان. داریوش جوان در همان سنین جوانی که مضراب و پنجه‌اش به پختگی و نواخته‌هایش دلنشین شده بود آثار زیادی را اجرا می‌کند و بدلیل تجربه بیشتر نسبت به هم دوره‌هایش و علاقه جناب یاسائی به نوازندگی وی بعضی از اجراها بصورت زنده از رادیو پخش می‌شود.

داریوش برهانی در طول سال‌های ۴۰ الی ۵۷ در قزوین و تهران سکونت می‌کند و در کنار کار اداری که داشته به تدریس نیز مشغول می‌گردد اما بدلیل بیماری همسر به کرمان بر می‌گردد و ادامه فعالیت خود را با تجربه بیشتر ادامه می‌دهد اما پس از انقلاب و روی کار آمدن حکومت اسلامی بسیاری از فعالیت‌های موسیقی و هنری متوقف می‌شود و بسیاری از هنرمندان خانه نشین می‌شوند.

با روی کار آمدن نظام جدید کار هنری و مخصوص موسیقی متوقف و هنرمندان مورد بی‌مهری و ظلم قرار می‌گیرند تا آنجایی که بسیاری از هنرمندان به اتهام فعالیت هنری بازداشت و مورد بازخواست قرار می‌گیرند و حتی از بعضی هنرمندان تعهد می‌گیرند که دیگر کار هنری نکنند اما در همان روزگار غریب و در آن شرایط سخت هنرمندان و دوستداران فرهنگ و ادب و علاقمندان به موسیقی با جلسات شبانه و گردهمایی‌های کوچک و جلسات، سعی در حفظ این هنر اصیل و مظلوم می‌نمودند در دهه ۶۰ اساتید و مدرسین موسیقی با تشکیل کلاس‌های موسیقی به صورت خصوصی در منزل به کار خود ادامه دادند. داریوش برهانی نیز همانند بسیاری از همکاران خود کلاس‌های آموزش تار را در خانه دائر کرد و تا سال ۶۸ و اوایل دهه ۷۰ به صورت پنهانی و مخفیانه در منزل

تدریس می‌کرد ولی پس از باز شدن فضا و شرایط این رویه تغییر می‌کند و بستر برای فعالیت بیشتر فراهم می‌شود.

داریوش برهانی فضا و شرایط متفاوتی را تجربه کرده است هم قبل از انقلاب و هم بعد از انقلاب. در اوایل دهه هفتاد که فضا برای فعالیت هنرمندان کمی مهیا می‌شود به همت برادر کوچک خود خلیل برهانی گروهی بنام «حافظ» تشکیل می‌دهند اعضای این ارکستر متشکل از چند تن از یاران قدیمی از جمله «محمد سعید» نوازنده ویلن و عطاالله مشرف زاده نوازنده تمبک که گاهی خوانندگی گروه را نیز به عهده داشت و چند تن از جوانان آن زمان و از جوانان هنرمند شهر است.

این گروه به مدت چند سالی فعالیت می‌کند اما پس از درگذشت استاد خلیل برهانی سال ۷۵ اجراهای گروه کمتر و کمتر می‌شود هر چند اجرای کنسرت‌ها در آن دوران برای هنرمندان بسیار سخت و دشوار بود اما برای عاشقان و شیفتگان موسیقی غنیمت به شمار می‌آمد بخصوص در آن دوران که همه ارتباطات و دسترسی به شنیدن موسیقی جدی و بطور کلی موسیقی، دشوار و سخت و گاهی محال می‌نمود. این کنسرت‌ها و اجراها پل ارتباطی بین هنرمندان و مردم و هنرجویان بود. در طول تاریخ می‌بینیم هر گاه حاکمان و زمامداران از هنرمندان حمایت کرده‌اند و متولیان فرهنگی و هنری بوده‌اند. باعث رشد و شکوفائی هنر و باعث تولید آثار فاخر و در نتیجه رشد فرهنگی در جامعه و بالا بردن سطح آگاهی و شعور جمعی در جامعه شده است و به همین علت است که دهه‌های سی و چهل و پنجاه را برای موسیقی، دوران طلایی موسیقی می‌نامند.

استاد داریوش برهانی در طول سالیان سال که به کار تدریس و آموزش موسیقی مشغول بوده شاگردان زیادی تربیت نموده که از این بین می‌توان به پسرانش (کیانوش و سیاوش برهانی) و همچنین آقایان محسن آفروش (در قزوین)، فواد توحیدی، رضا کامکار، نیما خیری، سینا نجمالدینی و... اشاره کرد. بیشتر شاگردان هم اکنون به کار موسیقی مشغول هستند. استاد داریوش برهانی هم اکنون در کرمان سکونت دارد برای این استاد گرانقدر که همیشه او را مردی متواضع، نجیب، شریف، صبور و انسانی به معنای واقعی می‌شناسیم، آرزوی سلامتی و تندرستی می‌کنیم.

نگاهی به شیوه نوازندگی استاد داریوش برهانی

آنچه که به عنوان مشخصه‌های نوازندگی ایشان برخواهیم شمرد همه از نواخته‌هایی است که در طول سالیان سال از دوران جوانی تا به امروز اجرا شده.

برای بررسی شیوه نوازندگی افراد و نگاهی دقیق‌تر به سبک نوازندگی آنها باید به عوامل مختلفی پرداخت ازجمله: موزیکالیت، سونوریت، محتوا، کوک و فواصل و ریتم.

موزیکالیت و سونوریت

اگر موسیقی را هنری برای بیان احساسات انسانی به وسیله صداها بدانیم پس باید ابتدا هنر با احساس نواختن (موزیکالیت) را یاد بگیریم و سپس به سراغ هنر تولید صدای درست و واضح یعنی (سونوریت) برویم هر چند لازمه موزیکالیت خوب داشتن سونوریت خوب است. موزیکالیت به معنی با حس نواختن است این برمی‌گردد به شناخت نوازنده از قطع‌های که می‌خواهد بنوازد. اگر قطع‌های باشد که نوازنده با الهام از پیرامون و یا لحظ‌های خاص را بخواهد توصیف کند مثلاً بخواهد احساس تنهایی و یا دوری و غم و یا شادی را بیان کند اگر نوازنده‌ای که بخواهد آن قطعه را بنوازد شناخت دقیق و خوبی داشته باشد می‌تواند با موزیکالیت صحیح احساس آهنگساز را با نواختن آن قطعه به دیگران انتقال دهد و زیبا نواخته شود و به درستی و با احساس با آن برخورد کند.

اما سونوریت در موسیقی به مفهوم صدا دهی خلاصه می‌شود در زبان لاتین «سونو» به معنای صدا است و هر اسمی که در ابتدای آن «سونو» بیاید به نحوی مربوط می‌شود به صدا مانند: سونوگرافی، در سونوگرافی امواج صوتی با سرعت بسیار بالا ساطع می‌شود و با محاسبه سرعت برگشت آن می‌توان تصویر مورد نیاز را به دست آورد اما سونوریت در موسیقی به این معناست که هر نوازنده باید بتواند صدای ساز خود را به بهترین شکل و به‌ترین نحو در بیاورد مثلاً اگر یک قطعه موسیقی را به چند نوازنده بدهیم و از آنها بخواهیم تک تک آن قطعه را اجرا کنند متوجه خواهیم شد که هر کدام از این‌ها به سبک و شیوه خودش مینوازد و هیچ کدام از نواخته‌ها دقیقاً مانند یکدیگر نمی‌شود با اینکه یک قطعه و یک ملودی را اجرا کرده‌اند ولی هر کدام به اصطلاح رنگ صدایی خودش را دارد و مانند یکدیگر نمی‌شود.

سونوریت به نحوه صدادهی خوب است اینکه چه مسائلی را باید رعایت کنیم تا بتوانیم یک صدای زیبا از ساز خود در بیاوریم بهتر است بگوئیم هر ساز زیبایی خاص خود را دارد و قابلیت‌های سازها با هم متفاوت است سونوریت به ما کمک می‌کند که قادر به شناخت آن زیبایی باشیم و بتوانیم به به‌ترین نحو با یک ساز بنوازیم عوامل مختلفی در سونوریت تاثیرگذار است. مثلاً در ساز تار هر دو دست به اصطلاح پنجه و مضراب در تولید صدا موثر هستند. زاویه انگشت‌ها و عملکرد دست چپ و قدرت و شدت مضراب در دست دیگر و تکنیک‌های مضرابی و تکنیک‌های انگشت گذاری و کنده کاری و ویبرهای هر دو دست تأثیرات بسیار مهمی در نحوه اجرا و تولید صدا و جنس صدا می‌گذارد. بخش مهمی از این عوامل در مراحل آموزشی رقم می‌خورد اگر به نواخته‌های استاد برهانی توجه کنیم موسیکالیت خوب را در سازش می‌شنویم چه زمانی که قطعه دیگران را مینوازد و چه از ساخته‌های خودش و این نشان از دریافت و احساس، درک عمیق و دقیق اوست که البته سونوریت نقش مهمی در بیان این احساس ایفا می‌کند. سونوریت ساز استاد برهانی به دلیل دارا بودن مضراب‌های با صلابت و قوی در جملات و حرکت دست راست به طرف کاسه کوچک و گاه به سمت حرکت و بازی با مضراب، صدایی متفاوت را ایجاد می‌کند و گفتنی است زاویه مضراب در ساز ایشان به طرف بالا و کمی متمایل به طرف دسته ساز است به همین دلیل صدای ساز را مختص به خود می‌کند و به اصطلاح دارای امضای شخصی است البته گرفتن مضراب و انگشت گذاری ایشان بیشتر تحت تاثیر استادانش بخصوص استاد علی اکبر خان شهنازی قرار گرفته. شاید هم عصر بودن با استادان بزرگی مانند لطف الله مجد و جلیل شهناز، فرهنگ شریف و هوشنگ ظریف و شنیدن ساز این بزرگان تاثیر بسزائی در شیوه نوازندگی هنرمندان دیگر داشته است که داریوش برهانی ر از این ماجرا مستثنی نمی‌کند.

ولی شباهت و نزدیکی به مکتب استاد شهنازی بیشتر مشهود است به خصوص بازی با خرک و تولید ویبرهایی بوسیله دست راست با فشار روی خرک از ویژگی‌های دیگر ایشان و این مکتب است در نواخته‌های ایشان بعضی مواقع صداهای بلند و پرتنین شنیده می‌شود که این صدا بدلیل نزدیکی دست راست و نزدیکی مضراب به خرک می‌باشد.

البته قدرت دست راست و مچ هنگام نواختن مضراب راست (حرکت مضراب از بالا به پایین) بسیار مهم و تعیین کننده است در شفافیت و زلالی صدا و صافی و پرتنین بودن

آن بعضی از ویژگی‌های این شیوه نوازندگی را می‌توان در نوازندگان دیگر دید ولی بدلیل تفاوت‌هایی جزئی رنگ صداها متفاوت می‌نماید.

محتوا و فرم

مطالبی که یک هنرمند با تکیه بر دانش و معرفت و شناخت و برداشتی که از آموخته‌هایش ارائه می‌دهد محتوا و سر و شکل دادن به این مطالب و نظام دادن به آنها بحث فرم است. معمولاً مفاهیمی که در ذهن هنرمندان شکل می‌گیرد بسیار انتزاعی‌تر و گسترده‌تر از مفاهیم طبیعت هستند برای همین هنر در طول تاریخ دستخوش تغییر شده است و می‌شود چون این پدیده‌های انسانی هستند که تغییر می‌کنند و یکی از خاصیت‌های هنر هم بیان این پدیده‌هاست به زبان خودش.

مضمون، زیر مجموعه فرم است فرم باید باشد تا محتوا به وجود آید. بدون فرم محتوا معنا ندارد واضح است اگر یک موزیسین مضمونی در ذهن داشته باشد و ایده‌ای داشته باشد حتماً به فرم آن هم فکر می‌کند و این محتوا به یک شکل نظاممند پدیدار می‌شود و بهتر است بگوئیم محتوا برای ظاهر شدن و نمایان شدن نیاز به یک پیکره دارد و بعد از اینکه در پیکره جدیدی قرار گرفت فرم خودش را می‌گیرد.

محتوا و مطالبی که در موسیقی استاد داریوش برهانی می‌بینیم و می‌شنویم همه برگرفته از برداشت آزاد ایشان از ردیف موسیقی ایران در چهارچوب ردیف دستگاهی است که در فرم‌های مختلف مثل پیش درآمد، تصنیف، چهار مضراب، رنگ و قطعات ضربی و آواز بیان می‌شود ولی بیش‌ترین فرمی که در نواخته‌های این هنرمند می‌توان شنید ضربی‌های متعدد با تکیه بر دانش او از دستگاه‌ها و آوازهای مختلف است و بیشتر دو ضربی‌های ساده ۲/۴ و دو ضربی‌های ترکیبی ۶/۸ نواخته و اجرا شده البته در اجراهایی که روی صحنه داشته‌اند رپرتوار مانند موسیقی اصیل ایرانی است یعنی به ترکیب نخست پیش درآمد و بعد آوازی و چهار مضراب و تصنیف و رنگ اجرا شده است که این روند در بیشتر اجراهای برنامه‌های موسیقی ایرانی متداول است یعنی برای شروع یک پیش درآمد می‌شنویم که معمولاً با ضرب آهنگ کند نواخته می‌شود و پس از آن جملاتی با ریتم آزاد و بعد ممکن است تصنیف خوانده شود و بعد چهار مضراب به عنوان یک قطعه تند

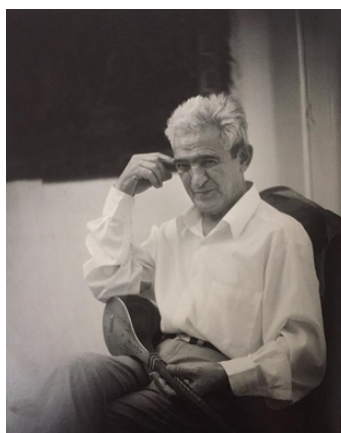
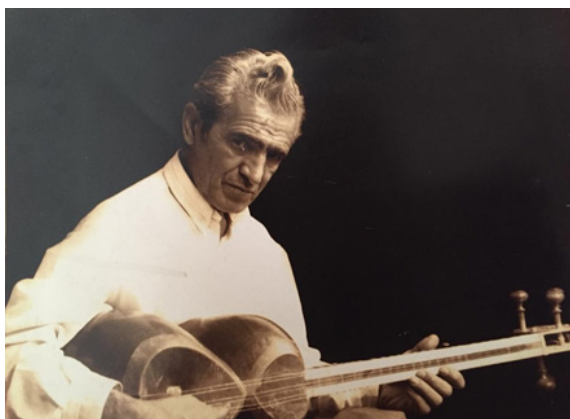
و بیکلام و در آخر رنگ که یکی از فرم‌های قدیم موسیقی ایران بوده است این ترتیب در اجرا سالیان سال است که جا افتاده است هر چند امروزه فرم چهار مضراب بدلیل تحرک بیشتر طولانیتر و رنگ‌ها کوتاهتر اجرا می‌شوند بر خلاف قدیم که چهار مضراب‌ها کوتاه و رنگ‌ها طولانیتر بوده است. در بحث محتوا در نواخته‌های استاد داریوش برهانی جمله بندی‌ها محکم و استوار و متکی بر ردیف با ترتیبی منطقی پشت سر هم قرار می‌گیرند هر چند جملات برگرفته از ردیف هستند ولی در عین حال، عین ردیف نیستند و جملات در عین لطافت و زیبایی گاهی پرطنین و گاهی زمزمه‌وار از پس هم شنیده می‌شوند و این ویژگی در ایشان بدلیل حافظه موسیقایی اوست که به سازش غنا می‌بخشد. پرواضح است برای بیان و ارائه و اجرای مطالب نقش تکنیک و توانایی در نوازندگی را نباید نادیده گرفت و از سویی دیگر نقش خلاقیت بسیار مهم است ساز استاد برهانی هر دو این ویژگی را دارد.

یکی از قطعات ساخته استاد برهانی قطعه‌ایست بنام «طلوع در بیات ترک DO که با الهام از قطعه معروف صبحگاهی استاد حسن کسائی ساخته شده این قطعه هم مانند قطعه صبحگاهی یک قطعه دو ضربی ساده در میزان ۲/۴ است که دارای یک انسجام و یک استحکام در محتوا و یک پیوستگی زیبا در جملات.

با اینکه صبحگاهی در چهارگاه است ولی الهام بخش قطعه طلوع در بیات ترک شده است. استاد برهانی چندین پیش درآمد و رنگ و تصنیف و چهار مضراب در دستگاه‌های سه گاه، شور، همایون، چهارگاه و آوازهای دشتی و بیات ترک و بیات اصفهان و افشاری دارد. وی همانند بعضی از موسیقیدان‌های قدیم بر این باورند که هر دستگاه و آواز ایرانی مختص به زمان خاصی در روز است و هر دستگاه را در ساعت‌های خاصی در روز باید اجرا کرد مثلاً اگر قبل از ظهر است و یا صبح باشد دستگاهی مانند ماهور و اگر یک غروب و یا شب همایون و یا آواز دشتی مناسبتر است. گذشته از مواردی که درباره ویژگی‌های نوازنده و همچنین محتوا در موسیقی اشاره شد نباید نقش محیط و شرایط زمانی هنرمند را نادیده گرفت. بر این باورم جامعه و شرایط اجتماعی در بوجود آمدن آثار هنری نقشی پر رنگ دارند اگر به آثار هنرمندان دوره گذشته و یا کسانی که هم دوره با جناب برهانی بوده‌اند نگاه کنیم می‌توان دریافت ملودی‌ها و قطعاتی که در گذشته ساخته شده غالباً همراه با مفاهیم و مضامینی است از عشق و مهرورزی و محبت و ایثار و گذشت و

نگاهی به زندگی و شیوه نوازندگی استاد داریوش برهانی | ۱۵۳

جوانمردی و صداقت و همه صفات خوب انسانی چرا که در محیطی که پرورش یافته‌اند این واژه‌ها به معنی واقعی کلمه به عنوان ارزش تلقی می‌شده از لابلای همین ملودی‌ها و اشعار می‌توان دریافت دوره‌ای که آنها پشت سر گذاشته‌اند همراه با مهربانی و دوستی و آرامش سپری شده و این صفا و صمیمیت و زلالی که در نواخته‌هایشان شنیده می‌شود در واقع آئینه تمام نمای قلب و صفای درون خودشان است که در موسیقیشان متبلور می‌شود کسانی که از نزدیک با استاد داریوش برهانی برخورد و معاشرت داشته‌اند همه به اتفاق میدانند او دلی دارد به وسعت دریا که باید الگوی همه بخصوص طالبان هنر و عاشقان موسیقی باشد. براستی که او مردیست نجیب، شریف، متواضع، اصیل و صبور و همیشه عاشق و فارغ از همه حاشیه‌های جامعه هنری با آرزوی سلامتی و طول عمر برای این استاد بزرگ و اسطوره اخلاق و ادب.



تصویر ۴۰ و ۴۱: استاد داریوش برهانی

قطعه طلوع

داریوش برهانی

$\text{♩} = 100$

8

15

23

30

37

44

52

60

67

75

82

8^{vb}

8^{vb}

tr

tr

U

فرود